

بچه‌ها

افسانه‌های ایتالیایی



«دست اسکلت»

و چند افسانه‌ی ترسناک دیگر

افسانه‌های ایتالیایی

①

«دست اسکلت»

و چند افسانه‌ی ترسناک دیگر



ایتالو کالوینو

تصویرگر: پیا ولنتینیس

مترجم: محیا بیات



FIABE DA FAR PAURA (APPENA APPENA, NON TANTO)

Copyright © 1994, Palomar S.r.l. e Arnoldo Mondadori Editore S.p.A., Milano per il testo
 Copyright © 2002, Esther Judith Singer Calvino - Giovanna Calvino e Arnoldo Mondadori Editore S.p.A., Milano, per il testo
 Copyright © 2015, Esther Judith Singer Calvino - Giovanna Calvino e Mondadori Libri
 All rights reserved
 © Mondadori Libri S.p.A., Milano – Cover and Inside Illustrations by Pia Valentinis
 Persian Translation © Houpa Publication, 2021

نشر هوپا در چهارچوب قانون بین‌المللی حق انحصاری نشر اثر (Copyright) امتیاز انتشار ترجمه‌ی فارسی این کتاب را در سراسر دنیا با بستن قرارداد از آژانس نویسنده‌ی آن، Italo Calvino، خریداری کرده است.

رعایت «کپی‌رایت» یعنی چه؟

یعنی «نشر هوپا» از نویسنده‌ی کتاب **ایتالو کالوینو**، برای چاپ این کتاب به زبان فارسی در ایران و همه‌ی جای دنیا اجازه گرفته و بابت انتشارش، سهم نویسنده، یعنی صاحب واقعی کتاب را پرداخت کرده است. البته در اصل از بازماندگان **ایتالو کالوینو** اجازه گرفته شده، چون خودش فوت کرده است. اگر هر ناشری غیر از هوپا، این کتاب را به زبان فارسی در ایران یا هر جای دنیا چاپ کند، بدون اجازه و رضایت **ایتالو کالوینو** این کار را کرده است.



سرشناسه: کالوینو، ایتالو، ۱۹۲۳ - ۱۹۸۵ م.
 Calvino, Italo
 عنوان و نام پدیدآور: دست اسکت و چند افسانه‌ی ترسناک دیگر/ نویسنده ایتالو کالوینو:
 تصویرگر پیا ولنتینیس: مترجم محیا بیات.
 مشخصات نشر: تهران: نشر هوپا، ۱۳۹۹.
 مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص.: مصور(رنگی).
 فروست: افسانه‌های ایتالیایی: ۱.
 شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۳۸۳-۴-۱ دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۳۸۴-۱
 وضعیت فهرست نویسی: فیبا
 یادداشت: عنوان اصلی: (fiabe da far paura (appena appena, non tanto)
 موضوع: افسانه‌ها و قصه‌های ایتالیایی
 موضوع: Legends -- Italy
 شناسه افزوده: ولنتینیس، پیا، ۱۹۶۵- م.، تصویرگر
 شناسه افزوده: Valentinis, Pia, 1965-
 شناسه افزوده: بیات، محیا، ۱۳۶۶- مترجم
 رده بندی کنگره: GR۱۷۶
 رده بندی دیویی: ۳۹۸/۲۰۹۴۵ [ج]
 شماره کتابشناسی ملی: ۷۴۴۶۰۳۳

افسانه‌های ایتالیایی ①

«دست اسکت»

و چند افسانه‌ی ترسناک دیگر

نویسنده: ایتالو کالوینو

تصویرگر: پیا ولنتینیس

مترجم: محیا بیات

ویراستار: شایسته ابراهیمی

مدیر هنری: فرشاد رستمی

طراح گرافیک: سحر احدی - نسیم نوریان

چاپ اول: ۱۴۰۰

تیراژ: ۲۰۰۰ نسخه

قیمت: ۴۵۰۰۰ تومان

شابک دوره: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۳۸۳-۴-۱

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۰۴-۳۸۴-۱



آدرس: تهران، میدان فاطمی، خیابان بیستون، کوچه‌ی دوم الف، پلاک ۳/۱، واحد دوم غربی.

سندوق پستی: ۱۴۳۱۶۵۳۷۶۵ تلفن: ۸۸۹۹۸۶۳۰ info@hoopa.ir www.hoopa.ir

■ همه‌ی حقوق چاپ و نشر انحصاراً برای نشر هوپا محفوظ است.

■ استفاده از متن این کتاب، فقط برای نقد و معرفی و در قالب بخش‌هایی از آن، مجاز است.

فهرست



۹.....عمو گرگه
امیلیا روماتیا

۲۱.....جوان نترس
توسکانا



۳۱.....دماغ زقره‌ای
پیه مونه



۵۳.....عروسی ملکه و مرد مکار
سیسیل



۶۹.....فلورانس
پیرا



۸۱.....دست اسکلت
ترنتینو



عمو گرگه

امیلیا رومانی^۱



۱. EMILIA ROMAGNA: نام ناحیه‌ای در شمال ایتالیا که مرکز آن شهر بولونیا است. در این مجموعه داستان، زیر عنوان هر داستان اسم یک شهر یا منطقه نیز آمده‌است که نشان می‌دهد ماجرای آن داستان در کجا روایت می‌شود. -و.

روزی روزگاری دختری بود شکمو. یک روز سر کلاس، نزدیک جشن کارناوال، معلم به بچه‌ها گفت: «اگر بچه‌های خوبی باشید و بافتن این پیراهن را تمام کنید، جایزه دونات دارید.» اما دختر بافتن بلد نبود، اجازه گرفت و به خانه رفت. توی اتاق، در را روی خودش بست و خوابید. وقتی به مدرسه برگشت، بچه‌ها همه‌ی دونات‌ها را خورده بودند. او هم گریان و نالان پیش مادرش رفت و همه‌ی ماجرا را تعریف کرد.



«صبر کن تا لباسم را بپوشم.»

بو بو

«صبر کن تا لباس زیرم را بپوشم.»

بو بو

«صبر کن تا شلوارم را بپوشم.»

بو بو

«صبر کن دمپایی‌هایم را بپوشم.»

مادرش گفت: «آرام باش دخترکم! خودم
برایت دونات درست می‌کنم.»

اما مادر آن قدر بی‌پول بود که حتی نمی‌توانست
ماهی‌تابه بخرد.

«برو پیش عموگرگه و ازش بخواه که ماهی‌تابه‌اش
را به ما قرض بدهد.»

دختر رفت در خانه‌ی عموگرگه و در زد:

بو بو

«کیه؟»

«منم!»

«صد سال و هزار روزه که کسی در این خانه را
نزده. چی می‌خواهی؟»

«مادرم من را فرستاده تا بپرسم می‌شود

ماهی‌تابه‌ات را به ما قرض بدهی تا دونات

بپزیم؟»



شکمو بود، با خودش گفت: «هومم،
عجب بوی خوبی! چطور است یکی‌اش
را امتحان کنم؟»
یک، دو، سه... همه را خورد و بعد،
قرص نان را هم خورد و بطری آب انگور
را هم سرکشید تا هرچه خورده بود
برود پایین.



گرگ بالاخره در را باز کرد و
ماهی‌تابه را به او داد.
«بیا این ماهی‌تابه، ولی به مادرت
بگو ماهی‌تابه را پر از دونات بهم پس
بدهد، یک قرص نان و یک بطری
آب انگور هم همراهش بفرستد.»
«باشه، باشه! همه‌اش را می‌آورم.»

وقتی به خانه برگشت، مادرش چندتایی دونات خوشمزه
پخت و یک ماهی‌تابه پر از دونات هم برای گرگ کنار گذاشت.
پیش از غروب به دخترش گفت: «این ماهی‌تابه‌ی پر از دونات
و این قرص نان و این بطری آب انگور را ببر برای عمو گرگ.»
در راه بوی دونات‌ها به مشام دختر خورد و از آنجاکه خیلی

عجیبه که آدمیزاد کتاب هاش رو نمی خوره!



هوپا ناشر کتاب های خوردنی

کتابفروشی های هوپا
www.hoopabooks.ir



اینستاگرام هوپا
hoopa_publication



سایت هوپا
www.hoopa.ir



کانال تلگرام هوپا
<https://t.me/hoopabooks>

